

بررسی نقش و تأثیر والدین و رسانه در تربیت فرزند

محمد شریفی^۱

چکیده

در دین اسلام خانواده اساسی‌ترین نظام اجتماعی است و مهم‌ترین مسئله آن تربیت فرزندان و روابط خانوادگی است والدین در تربیت فرزندان نقش بسیار حساسی بر عهده دارند.

در عصر حاضر حضور چشمگیر رسانه دگرگونی‌هایی را در این امر به وجود آورده است و شیخون گسترده نظام صنعتی نوین به فرهنگ بشری و کاربردی ترین ابزار آن، یعنی رسانه‌های تصویری به ویژه تلویزیون و سینما نزدیک به چند دهه است که این مرز را از بین برده است.

در مقاله حاضر ابتدا اهمیت و جایگاه خانواده، رسانه و نقش آن‌ها در امر تربیت بررسی می‌شود و سپس تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها در عرصه های مختلف زندگی بیان می‌شود. در پایان نیز راه کارهایی برای کنترل اثرات منفی رسانه بر فرزندان پیشنهاد می‌شود. پژوهش حاضر به روش مروری و کتابخانه‌ای و با تأکید بر آرای صاحب نظران در عرصه خانواده و رسانه گردآوری شده است.

کلید واژگان: نقش، والدین، رسانه، تربیت، فرزندان.

^۱ . دانش آموخته جامعه المصطفی العالمیه فقه و معارف اسلامی سطح چهار

mohamad.sharifjii2019@gmail.com

۲ تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۲/۱۱ تاریخ تأیید ۱۴۰۴/۲/۱۶

مقدمه

انسان در زندگی اجتماعی کنونی و در برخورد با دیگران نیازمند ارتباط است و تنها از طریق این ارتباط نیازهای فردی و اجتماعی خود را برآورده می‌کند. اگرچه رشد رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در ابتدا بسیار ساده و ناچیز بوده است، اما در عصر حاضر تغییرات زیادی در این زمینه به وجود آمده است. امروزه رسانه‌های جمعی هم ابزاری برای سرگرمی و تفریح مردم شده‌اند و هم وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت و فکر و اندیشه. به همین دلیل نقش مهمی در تعلیم و تربیت نسل حاضر دارند. در دنیای امروز که همه چیز به سمت تکنولوژی و صنعتی شدن پیش می‌رود سهم خانواده‌ها در تکوین شخصیت دانش آموزان روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و به جای آن عوامل دیگری مانند رسانه‌ها نقش ویژه در این زمینه دارند. کودکان از هجده ماهگی تلویزیون می‌بینند و از سه سالگی معتاد این رسانه تصویری هستند. در برنامه‌های این جعبه جادو تفاوتی میان کودک و بزرگسال نیست به طوری که خشونت، آدم‌ربایی و سرقت، برهنگی و ناهنجاری‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی در قالب‌های نمایشی و تصویری و حتی پیام‌های بازرگانی پیوسته توسط کودک و بزرگسال دیده می‌شود.

نتیجه این وضع ایجاد اختلال و تزلزل در دوران کودکی است. زوال دوران کودکی یا افول طفولیت آسیب اجتماعی بزرگی است که گریبان‌گیر بشر در جهان متمدن امروز شده است. درحالی که در مشرق زمین به ویژه در جوامع اسلامی توجه به کودک موضوعی است که همواره مورد توجه بوده است و حتی دستورات مذهبی و آداب و سنن اجتماعی فراوانی برای صیانت و پرورش او وجود دارد. بدون شک امروزه تأثیر رسانه در روابط خانوادگی و تربیت فرزندان به طور چشم‌گیری دیده می‌شود و نباید از تأثیر رسانه‌های جمعی بر این مسئله مهم و اساسی غافل شد؛ زیرا در حال حاضر تنها سلاح دشمنانی که نتوانستند اسلام را از بین ببرند رسانه است (عظیمی، ۱۳۹۵: ۱۹۲۵). رسانه‌های ارتباطی بسیار مؤثر هستند؛ زیرا مردم همواره از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و آموزش می‌گیرند. در سال‌های گذشته

رسانه‌ها بسیار محدود بودند، ولی با گذشت زمان و پیشرفت علم و تکنولوژی گسترش یافتند. ابتدا رسانه‌های مکتوب در حد ابتدایی شکل گرفت و سپس رسانه‌های دیگر به وجود آمدند. در دورانی که کتاب مهم‌ترین وسیله ارتباطی در میان ملل مختلف دنیا مطرح بود ادیان آسمانی و پیامبران پیام خود را با کتاب و تعلیم آن به مردم آغاز کردند و رسالت برخی از این پیام‌آوران با کتاب و وحی شروع شده است. با پیشرفت علم دامنه رسانه‌ها وسیع‌تر شد و وسایلی مانند روزنامه و مجلات نیز به آن اضافه شد. در طول چند قرن گذشته بشر با رادیو و تلفن ارتباط داشت، اما به تدریج رسانه‌های پیشرفته‌ای مانند تلویزیون و سینما کامپیوتر، اینترنت و ماهواره به وجود آمد که نقش مهمی در تربیت و تعلیم مردم بر عهده گرفت (احسانی، ۱۳۹۶: ۱۲۹۱)

مفهوم‌شناسی رسانه

رسانه به معنای روش یا ابزار مادی یا فنی تغییر شکل پیام به علامت‌هاست که مناسب انتقال از یک مجرای ارتباطی معین است. به طور کلی می‌توان گفت که رسانه یک وسیله ارتباطی است. رسانه‌ها به این معنا ابزاری هستند که به وسیله آن‌ها ارتباط ممکن می‌شود. امروزه وسایل ارتباط جمعی مصادیق گسترده دارند و مانند گذشته فقط به تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب منحصر نمی‌شوند. ماهواره، اینترنت، سینما، تئاتر، فیلم، نوارهای صوتی و تصویری، دیسک‌ها، سی‌دی‌ها، پوستر، عکس، اسلاید، تابلوها، گوشی‌های موبایل و نیز از جمله وسایل ارتباط جمعی هستند. (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۳۷)

تربیت

تربیت یعنی، شکوفاکردن و به ظهور رساندن استعدادها. تربیت فراتر از انتقال علم است و به معنای فراهم کردن امکان شکوفایی استعدادها و از قوه به فعل رسیدن استعدادهاست. تعریف خاص دیگری از تربیت بر اساس مبانی دینی است. در این تعریف تربیت به این معنا نیست که تنها استعدادها بروز کند و به فعلیت برسد بلکه به این معناست

که استعدادها در مسیر و جهت درست نیز به کار بیافتند. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۲۲)

فرزند

از نظر حقوقدانان پسر یا دختری که به بلوغ شرعی نرسیده باشد از محجورین است و زمان بلوغ حجر او محو می شود بدون اینکه احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد. اگر پیش از بلوغ به اندازه ای برسد که بتواند تشخیص دهد او را صغیر ممیز می گویند. ذیل واژه بلوغ آمده ست: سن بلوغ و رشد با پیدایش یکی از پنج وضعیت برای طفل حاصل می شود که عبارت از رو پیدن مو در بعضی از قسمت های بدن، احتلام در پسران، حیض در دختران، رسیدن به سن نه سال تمام قمری در دختران و پانزده سال تمام قمری در پسران و استعداد بارور شدن دختران است.

اگر این ویژگی ها در کسی ظاهر نشود کودک است و اگر در کسی ظاهر شود نوجوان یا جوان است. صغار جمع صغیر است و در اصطلاح صغیر به کسی می گویند که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. (طاهریان، ۱۳۹۶: ۱۹۲۱)

نقش عوامل مؤثر در تربیت فرزند

۱- نقش والدین

منظور از والدین در این بحث الزاماً پدر و مادر نیست. زیرا همه ی خانواده ها از این دو نعمت و عنصر برخوردار نیستند. برخی خانواده ها فقط پدر یا فقط مادر را دارند و به علت مشکلاتی از داشتن نفر دوم در خانواده محروم اند. گاهی کسی عهده دار تربیت کودک شده که پدر یا مادر واقعی او نیست. مثلاً ازدواج دوباره ای صورت گرفته و فرد دیگری این مسئولیت را برعهده گرفته است. گاهی پدر و مادر از دنیا رفته اند و کسان دیگری مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ یا دیگر اقوام، این مسئولیت را برعهده گرفته اند. حتی گاهی شخصی تربیت فرد یا افرادی را برعهده گرفته که فرزندان صلبی او نیستند. پس وقتی از والدین سخن گفته می شود، الزاماً منظورمان پدر و مادر مصطلح نیست. در قرآن هم

وقتی تعبیر «و والد و ما ولد» (بلد: ۳) سوگند به پدر و آنچه زاده است را به کار می‌برد، مقصود يك معنای اعمی است. زیرا والد به پدر نسبت داده شده و مشخص است که پدر فرزند را نزاییده است. پیامبر (ص) نیز در سخنی به علی (ع) فرمود: «یا علی انا و انت ابوا هذه الامه» (مجلسی، ۱۴۲۹، ج ۱۶: ۹۵) ای علی من و تو دو پدر این امت هستیم. این تعبیر معنایی فراتر، از پدر و مادر بیولوژیک را ارائه می‌دهد. پس منظور يك نوع شراکت و نقش داشتن در شکل‌گیری يك شخصیت تازه است. پیامبر خدا (ص) و علی (ع)، یا پدر و مادر واقعی، یا هر کس دیگری که این نقش را بر عهده گرفته است، در واقع عهده‌دار مسئولیت تربیت او گردیده است. پدر و مادر صلبی این نقش را به جهت حس طبیعی وابستگی و دلبستگی که در آن‌ها است، بر عهده گرفته‌اند. اما اگر هنگامی انسانی این کار را به عهده بگیرد که این نوع وابستگی‌ها و دلبستگی‌های روانی در او وجود ندارد، از جهتی کار ارزش بیشتری هم پیدا می‌کند. بر اساس فرهنگ دینی ما جایی که شخصی به انسان محبتی کرده پاسخ دادن به محبت او ارزشمند است. اما جایی که کسی به من محبتی نکرده و حقّی به گردن من ندارد، جایی که عاطفه و احساس من، ما را به هم پیوند می‌زند، پسر یا دختر من نیست، اما من به او محبت می‌کنم، کارم ارزش بیشتری دارد. زیرا با خلوص نیت بیشتری همراه است. کسانی که نقش پدری و مادری را نسبت به فردی که فرزند صلبی شان نیست، بر عهده می‌گیرند، به خصوص در جایی که فرزندان حتی در مقابل ایفای این نقش، توسط این فرد تازه وارد مقاومت می‌کنند و جبهه می‌گیرند و به جهت نبود علقه‌ی عاطفی، قدر او و زحماتش را نمی‌شناسند ارزش عمل شان بیشتر است. هم به جهت سختی بیشتر عمل و هم به جهت نیت خالصانه‌تر. پس غرض از والدین در بحث ما، هر کسی است که وظیفه‌ی رشد فرزندان خانواده را بر عهده داشته و در شکل گرفتن این شخصیت تازه شراکت و نقش دارد، خواه پدر و مادر صلبی او باشد، خواه نباشد. حال بحث بر سر نقشی است که والدین در خانواده ایفا می‌کنند. اگر رفتار فرزندان با رفتار والدین شان مقایسه شود، مشخص می‌شود که بسیاری از

چیزهایی که فرزندان از پدر و مادر یاد گرفته‌اند، چیزهایی است که آنان قصد آموختن را به فرزندان نداشته‌اند. مثلاً وقتی مادر در خانه عصبانی می‌شود و حرف بد می‌زند، اولین چیزی که فرزند یاد می‌گیرد همان حرف بد است. والدینی که اهل مطالعه و تأمل هستند توجه دارند که وقتی پدر به هنگام مشکل، سختی و اضطراب به سیگار یا خدای ناکرده چیزهای دیگری پناه می‌برد، یا به پرخاش کردن متوسل می‌شود، فرزندان که این رفتار را می‌بینند نیز هنگامی که با چنان شرایطی مواجه می‌شود و به فشار و سختی دچار می‌گردد حتی در سنین بزرگسالی همان گزینه در ذهنش شکل می‌گیرد و همان رفتار را انجام می‌دهد. اما اگر ببیند پدر وقتی گرفتار و مضطرب است، قرآن می‌خواند، به دعا پناه می‌برد و نماز می‌خواند، او نیز در آینده و در مواجهه با چنان شرایطی، این گزینه‌ها در ذهنش نقش می‌بندد و در شرایط مشابه، همان کار را می‌کند. تك تك رفتارهای والدین معنا دارد. تك تك رفتارهای آنان که در مقابل چشم فرزندان صورت می‌گیرد، با آن‌ها حرف می‌زند. این نکته نشان می‌دهد که والدین در تربیت فرزندان نقش بسیار حساسی بر عهده دارند. در روایات زیادی توصیه شده است چنان که امام صادق (ع) فرموده است: "كونوا دعاه الناس بغير الستكم" (کلینی، ۱۴۲۹: ۸۷) «مردم را به سوی خدا، دین، ولایت و راه هدایت بخوانید ولی نه با زبان تان، بلکه با عمل تان». ولی در بسیاری موارد در انتقال ارزش‌ها به فرزندان، از آن ارزش‌ها با ایشان سخن گفته و از بزرگی و عظمت شان یاد می‌شود، حتی گاهی از چیزهایی سخن گفته می‌شود که آن‌ها از حیث ذهنی آمادگی فهم آن را ندارند. در حالی که زبان عمل، زبان تأثیرگذارتری است. خیلی وقت‌ها، آرزوها و ایده‌آل‌های پدر و مادر، بدون آنکه خودشان متوجه باشند به فرزندان منتقل می‌شود مثلاً می‌گویند خوش به حال فلانی فلان زمین یا فلان ماشین را خریده. صرف نظر از خوب و بدبودن این موارد این نوع نقل قول‌ها در فرزندان تأثیر می‌گذارد مشکلات، آرزوها، دغدغه‌ها و عادت‌های والدین نیز در فرزندان مؤثر است. اگر به وسعت این تأثیر توجه شود، مشخص می‌شود که والدین، آموزش‌های

مستقیم و غیر مستقیم زیای بر اعمال و رفتار فرزندان خود دارند. بنابراین اگر خواهان تغییر فرزندان هستیم، نخست باید به خودمان بپردازیم. به عبارت دیگر اولین چیزی که می‌تواند در تغییر بچه‌ها مؤثر واقع شود، تغییر خود والدین است. حال که حتی رفتارهای ناخواسته و پیش‌بینی نشده والدین در آموزش فرزندان نقش آفرینی می‌کند، پس می‌توان در زمینه‌ی تربیت آگاهانه از آن‌ها بهره گرفت. مثلاً اگر در خانه دعوائی هم پیش آمد با این که دعوا در مقابل فرزندان درست نیست می‌توان در همین حالت هم آموزش داد که انسان در حال عصبانیت چگونه باید رفتار کرده و بر عصبانیت خود غلبه کند. می‌توان تعادل و انصاف را به فرزندان آموخت. می‌شود نشان داد که اگر در رفتار و گفتار انسان اشتباهی پیش آمد، می‌تواند پی به اشتباه خود ببرد و پوزش بخواهد و آن رفتار و گفتار نادرست را با عذرخواهی ملایم جبران کند و این که عذرخواهی نشانه‌ی عظمت و بزرگی انسان است و نه کوچکی و ضعف او. فضای خانواده می‌تواند حتی در جامعه‌ی بسیار آلوده، مصونیت ساز باشد. قبل از انقلاب برخی پدر و مادرها چنان فضای داخلی خانواده و روابط خانوادگی را خوب تنظیم کرده بودند و چنان دقت و ظرافت و توجهی بکار می‌بردند که حتی مشکلات جامعه و میکرب‌های بیرونی، نمی‌توانست روی فرزندان‌شان تأثیر آلوده کننده داشته باشد. حتی خود آن برخوردهای بد، در فضای سالم خانه، به عنوان يك واكسن عمل می‌کرد. گاهی اوقات تصور می‌شود که اگر فرزندان کاملاً از فضای بد و آلوده دور نگهداشته شوند، موفق می‌شوند در حالی که چنین نیست. امروزه جوامع، محیط‌های باز می‌باشند، هر جای آن کنترل شود. مطالب از يك جای دیگر وارد می‌شود. فرزندان هرچه را از شما نشنیده باشد از جای دیگری می‌شنود و هرچه را در خانه ندیده در جای دیگری می‌بیند. کاری که می‌توان کرد، این است که جدای از سالم سازی محیط خانه، روی همان میکرب‌ها برنامه‌ریزی نمود و از آنچه که به نظر بد می‌آید، خوب استفاده کرد. یعنی خود آن اتفاقی که افتاده، چیزی را که بیرون از خانه دیده، حرفی را که شنیده، برخوردی را که در میهمانی با آن مواجه شده، تمام آن موارد در فضای سالم خانه

می‌تواند در حضور پدر و مادر آگاه مورد گفتگو قرارگیرد، بررسی شود و در صورت لزوم خنثی شود. پس نکته‌ی مورد نظر این است که فضای خانواده می‌تواند به گونه‌ای باشد که میکرب‌های بیرونی تحت تأثیر این فضا ضعیف شوند و نه تنها تأثیر بد نگذارند، بلکه نقش يك واکسن را بازی کرده و باعث تقویت و افزایش آمادگی فرزندان در برابر آلودگی‌ها شوند. مثال واضح آن واکسن زدن است. در واکسن میکرب ضعیف شده به ما تزریق می‌شود. بچه‌هایی که واکسن خورده‌اند، دیگر به آن مشکل دچار نمی‌شوند. به شرطی که واکسن باشد، یعنی آن میکرب ضعیف شده باشد و بدن هم قوی و آماده از بچه‌هایی که در مدارس و محیط‌های کاملاً حفاظت شده و خانه‌های خیلی پاک و بی میکرب رشد می‌کنند، بعداً که وارد دانشگاه و اجتماع می‌شوند، دچار مشکل می‌گردند. چون تا آن موقع این چیزها را ندیده‌اند و کاملاً با این امور بیگانه‌اند. قرار نیست والدین خودشان در خانه میکرب بریزند یا تلویزیون هر چه را نشان داد اجازه دهند او ببیند. ولی در فضای جامعه خواسته و ناخواسته چیزهایی وارد زندگی می‌شود. کلمات بدی را در کودکی شنیده، چیزهای بد دیگری را وقتی قدری بزرگتر شد دیده، دوستان بدی پیدا کرده، دوستانش چیزهای بدی را به مدرسه آورده‌اند و او مشاهده کرده است بزرگتر شده و کسی در خیابان پیشنهاد بدی به او داده، دوستان بدی پیدا کرده است. حالا می‌توان با آن چیزهای بد، خوب برخورد کرد. همه این چیزهای بد، می‌تواند در مدیریت خانواده و در فضای خانواده تبدیل به واکسن شود. وقتی خانه فضایش باز بود و او توانست بیاید و راحت حرفش را بزند و درد دل کند. (خیری، ۱۳۹۸: ۲۱۸) وقتی والدین آخرین کسانی نباشند که از مشکلات او باخبر می‌شوند، همین چیز بد، می‌تواند به يك موضوع گفتگو تبدیل شود و آرام آرام به جای تأثیر منفی، با باز شدن مطلب و فهم پیدا کردن او نسبت به آن، تأثیر مثبت بگذارد و باعث مقاوم شدن او در برابر هرگونه میکرب و آلودگی محیط شود. پس خانواده می‌تواند محیط مصونیت‌سازی باشد و فرزند را حتی برای صحنه‌های سنگین‌تر و میکرب‌های مقاوم‌تر هم آماده کند. میزان ایفای نقش خانواده در تربیت به

وضعیت خانواده‌ها هم بستگی دارد. به میزانی که خانواده ضعیف است و ضعیف عمل می‌کند، نقش عوامل دیگر بیشتر می‌شود به میزانی که والدین در گیر ارتباط با دیگرانند، یا در گیر کار بیرون از خانه‌اند یا در خانه در گیر دعوا و برخورد با همسر و مادر خانم و مادر شوهر هستند، نقش آنان پایین می‌آید و نقش عوامل دیگر نظیر نقش پسر همسایه، نقش مغازه‌دار سرکوچه، نقش تلویزیون بیشتر می‌شود. پس نقش و تأثیر والدین هم در اثر تغییرات عوامل اجتماعی و هم در اثر ضعف و قوت پدر و مادرها تغییر می‌کند. (اکبرزاده، ۱۳۸۱: ۱۹۲۱) خانواده‌ای که از نظر وضعیت اقتصادی دچار مشکل می‌شود، محدودیت‌ها، فشارها و سختی‌های خاص خود را دارد و این وضعیت خود را بر فرزند تحمیل می‌کند. بر محدودی باید و ناپایدهای آن‌ها تأثیر می‌گذارد و کارهایی که می‌توانند و یا نمی‌توانند انجام دهند را متفاوت می‌سازد. تأثیر وضعیت اجتماعی نیز چنین است یک فضای بسته‌ی آرام و یکنواخت، بسیار متفاوت است با یک جامعه با فضای باز که از هر سو سخنی به گوش انسان می‌رسد. در خانه با فرزند حرفی زده می‌شود که همان حرف در مدرسه مورد تمسخر قرار می‌گیرد یا دوستانش در آن زمینه چیز دیگری می‌گویند. در چنین فضایی تأثیری که کودک می‌گیرد، متفاوت است با فضای اجتماعی که سخن پدر یا مادر، توسط معلم در مدرسه تأیید می‌شود و رسانه‌ها نیز در همان جهت سخن می‌گویند. والدین در فضای تربیتی تنها نیستند. در فضای اجتماعی، در برابر هر رفتار آنان واکنشی وجود دارد و افراد تاثیرگذار در فضای اجتماع، متعدد و متنوع‌اند. نهادهای گوناگونی در فضای اجتماعی اثر گذارند. گاه این کنش گران مستقل عمل می‌کنند. گاهی هم در برابر یک کنش، واکنشی نشان می‌دهند. پدر سخنی گفته است مادر پاسخی داده و در جواب سخن پدر بر خوردی کرده است، مادر بزرگ در برابر کودک موضع دیگری گرفته است این رفتارهای متقابل ما روی تربیت فرزندمان و تغییر رفتارهای او مؤثر است. عوامل دیگری مانند اختلافات خانوادگی و بالاتر از آن، وقوع جدایی و طلاق پدر و مادر از یکدیگر نیز در کودک تأثیر بسیار دارند. هر یک از عوامل ذکر شده می‌توانند

اثرات درازمدت و طولانی در روح و اخلاقی کودک داشته باشند. (احمدیان، ۱۳۷۱: ۱۹۱۱)

۲- نقش رسانه در تربیت

نقش رسانه در سلامت و تربیت فرزندان و چگونگی استفاده از آن در تأثیرپذیری مثبت کودکان و نوجوانان بسیار مهم و حساس است. درجه تأثیر رسانه در خانواده و جوامع به حدی است که آموزش رسانه به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. باید تأکید کرد که کودکان و نوجوانان در استفاده از رسانه و تأثیرپذیری از آن با والدین خود تفاوت کامل دارند. آن‌ها بین جهان بیرونی و جهان رسانه‌ای تفاوتی نمی‌گذارند و در استفاده از رسانه بسیار راحت‌تر از والدین عمل می‌کنند. سرعت انتقال اطلاعات و فناوری‌های نوین آن‌قدر سریع است که این کودک است که در استفاده از رسانه‌های مختلف از والدین خود پیشی می‌گیرد و هنوز والدین بر یکی از ابزارهای رسانه مسلط نشده‌اند که کودک بر چند ابزار دیگر مسلط می‌شود. طبیعی است که تداوم بی‌توجهی و غفلت از تأثیر رسانه بر کودکان چه از سوی والدین و چه از سوی سیاست‌گزاران در حوزه سلامت باعث ناقص ماندن اجرای راه کارهای ضروری برای سلامت روانی، اجتماعی و فرهنگی کودکان می‌شود (طاهریان، ۱۳۹۶: ۱۹۲۱). کودکان و نوجوانان به طور میانگین حدود هفت ساعت از روز را با رسانه‌ها می‌گذرانند و بسیاری از آن‌ها به تلویزیون، کامپیوتر، اینترنت و بازی‌های ویدئویی و موبایل‌ها دسترسی دارند مطالعات نشان می‌دهد که رسانه می‌تواند اطلاعاتی در مورد رفتارهای کم‌خطر و بهداشتی به افراد بدهد و ارتباطات اجتماعی را گسترده‌تر کند. شواهد جدید نگرانی‌های جدی درمورد تأثیر رسانه بر بروز رفتارهای خشونت آمیز، رفتارهای جنسی، مصرف مواد، اختلالات تغذیه‌ای و مشکلات تحصیلی مطرح کرده‌اند. رسانه‌ها نه تنها با اختصاص وقت کودکان و نوجوانان به آن‌ها و کاهش وقتی که برای خواب و انجام تکالیف صرف می‌کنند بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند بلکه بر باورها و اعتقادات آن‌ها نیز مؤثرند. براساس تئوری یادگیری اجتماعی، کودکان و نوجوانان از طریق مشاهده و تقلید آنچه

را که می‌بینند، فرا می‌گیرند. براساس تئوری شناختی، ظرفیت شناختی کودکان در مراحل مختلف متفاوت است و مشخص کننده آن است که از رسانه چه ادراکی دارند. برای مثال کودکان زیر ۲ سال درک کمتری از قصد افراد از رفتارهای تشویقی و برانگیزاننده دارند. بنابراین به راحتی تحت تأثیر تبلیغات قرار می‌گیرند. رسانه‌ها طرح و راه‌هایی در مورد این که نوجوانان در موقعیت نا آشنا مانند یک رابطه رمانتیک چگونه عمل کنند به آن‌ها یاد می‌دهند و در نهایت براساس تئوری گاهی مانند یک دوست مؤثر و قدرت‌مند می‌توانند رفتارهای پرخطر را برای فرد به صورت نرمال و معمولی جلوه دهند (بابایی: ۱۹۲۱). تئوری‌های مختلفی برای تأثیر قوی رسانه و آثار منفی آن بر کودکان و نوجوانان مطرح شده است. یکی از فرضیه‌هایی که در این مورد مطرح است این است که والدین تلاش می‌کنند تا مواجهه فرزندان‌شان را با محتوای تأثیرگذار رسانه‌ها کاهش دهند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۲۲)

الف- اثر مثبت رسانه‌ها بر تربیت فرزندان

اجتماعی شدن یک فرایند دوجانبه ارتباطی بین فرد، خانواده و جامعه است و مهارت‌های اجتماعی بخشی از جریان اجتماعی شدن فرد است. به دلیل پیچیدگی جریان اجتماعی شدن، آموختن مهارت‌های اجتماعی به کودکان بسیار مهم است و والدین در این مورد کاستی‌های زیادی را احساس می‌کنند. والدین در زمینه آموزش‌های آکادمیک بیشترین ارتباط را با کودک و مدرسه دارند و تا پایان تحصیلات از هیچ کوششی فروگذار نیستند، ولی در رابطه با مهارت‌های اجتماعی کودکان منبع خاصی را نمی‌شناسد و کوشش‌های مقطعی و پراکنده و گاه نادرست آن‌ها زمینه ساز بروز عواقبی ناخوشایند در رشد اجتماعی، اخلاقی و شخصیتی کودک می‌شود. یکی از وسایل بسیار مهم و مؤثر در تربیت اجتماعی کودکان کتاب و مجله‌های کودکان است. امروزه مجله و کتاب‌های کودکان کمتر در خانه‌ها دیده می‌شود و تنها زمان کمی از اوقات فراغت کودکان به خواندن یا سرگرم شدن با کتاب‌ها و مجلات می‌گذرد. والدین می‌توانند از طریق مطبوعات مروج آموزش مهارت‌های اجتماعی مانند دانش دوستی، وظیفه‌شناسی، نیکوکاری، عدالت خواهی، فداکاری و دیگر فضایل

اخلاقی و انسانی باشند چنانکه می‌توانند فرهنگ مادی‌گری، سودپرستی، خودخواهی، بی‌تعهدی و دیگر رذایل اخلاقی را گسترش دهند. آن‌ها با نوشته‌ها، داستان‌سرایی‌ها، تعریف و تمجیدها، تجزیه و تحلیل‌ها، نقد و انتقادها، تصاویر و نقاشی و حتی با الفاظ و عبارات خود در گروه‌های مختلف جامعه از جمله کودکان تأثیر می‌گذارند (بابایی، ۱۳۹۱، ۱۹۱). رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری در کنار خانواده، محیط آموزشی و دوستان نقش مهمی در رشد و تربیت جنبه‌های گوناگون زندگی کودک دارند. رسانه‌ها از نخستین سال‌های کودکی با انسان همراه می‌شوند. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته نوزادان نیز در حدود نیم ساعت در شبانه‌روز تلویزیون می‌بینند و اطلاعات متنوعی از طریق رسانه‌ها به ویژه تلویزیون به کودکان و نوجوانان داده می‌شود. بسیاری از یادگیری‌ها غیرمستقیم هستند. پایدارترین تربیت، تربیت غیرمستقیم است که در فیلم‌ها و سریال‌ها دیده می‌شود. شواهد پژوهشی متعدد نشان می‌دهد که رسانه‌های گروهی به ویژه تلویزیون، فیلم‌های سینمایی و مطبوعات می‌توانند بر دانش و اعتقادات ملی مخاطبان گروه‌های سنی مختلف، تأثیر بگذارند (احدیان، ۱۳۷۱: ۱۹۱۱).

امروزه شبکه‌های اجتماعی به پدیده‌ای مهم و بسیار پر طرفدار در بین تمام سنین تبدیل شده‌اند و حتی کودکان را نیز درگیر خود کرده‌اند. کودکانی که گروه‌هایی با هم‌کلاسی‌های خود در شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و واتس‌آپ تشکیل داده‌اند، کم نیستند و حتی می‌توان رد پای کاربران کم سن و سال را در شبکه‌های اجتماعی بزرگتری مانند اینستاگرام و فیسبوک دید احاطه تلویزیون و کامپیوتر ممکن است باعث سردی روابط اجتماعی کودکان با والدین و هم سن و سالان شود و این کمرنگ بودن سطح اجتماعی باعث کم شدن مهارت‌های اجتماعی می‌شود (کویل: ۵۱۱۹). والدین در بیان بسیاری از مسائل مانند موضوعات عاطفی، جسمی و جنسی به نوجوان محدودیت دارند و نمی‌توانند به راحتی درباره آن‌ها صحبت کنند و حریم اخلاقی برایش در نظر می‌گیرند. در این موارد نقش رسانه بسیار واضح است؛ زیرا کودکان مطالبی را از آن‌ها می‌آموزند که باعث می‌شود روش‌های

خاصی در زندگی شان ایجاد شود. پس رسانه‌ها می‌توانند در آینده نوجوان نقش تربیتی مکمل داشته باشند به شرطی که شیوه درست استفاده از آن‌ها را آموخته باشند و والدین نوجوان را مانند فردی بالغ که درک و تشخیص درستی از مسائل دارد، بپذیرند. در دنیای امروز باید مهارت‌های کلامی، رفتاری، اطلاعاتی و ارتباطی را در نوجوان تقویت کرد. دنیای امروز دنیای ارتباطات و اطلاعات است، پس در تربیت کودکان دیگر کافی نیست که برای مثال گفته شود چگونه غذا بخورند یا با بزرگترها چگونه رفتار کنند. این‌ها ضروری و جزء بدیهی‌ترین‌هاست، اما کافی نیست. والدین با بسیاری از مهارت‌های اطلاعاتی و ارتباطی آشنا نیستند که بخواهند آن‌ها را به فرزندشان بیاموزند و این کار رسانه‌هاست. رسانه‌ها به کودکان یاد می‌دهند که چگونه این مهارت‌ها را در خود پرورش دهند، چگونه با دیگران ارتباط برقرار کنند، چگونه نیازهای خود را بیان کنند چگونه درست را از غلط تشخیص دهند و وقتی در موقعیت‌های سخت قرار می‌گیرند چگونه بر مشکلات غلبه کنند (اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۱۹۲۲)

۱- نقش آموزشی رسانه

رسانه‌ها می‌تواند آثار مثبتی در زمینه‌های آموزشی داشته باشند. کودکان و نوجوانان می‌توانند نگرش و رفتارهای ضدخسونت، همدلی و تحمل افراد مختلف از فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف و احترام به بزرگترها را از رسانه‌ها بیاموزند. پیام‌های اجتماعی نیز می‌توانند به راحتی از طریق رسانه‌ها به کودکان و نوجوانان منتقل شوند. با همه این‌ها برقراری روابط اجتماعی آنلاین برای همه کودکان و نوجوانان آثار مشابهی ندارد والدین باید همه دوستان فرزندان‌شان را در شبکه‌های اجتماعی به خوبی بشناسند. تکنولوژی‌های ارتباطی که بیشتر برای ارتباط با افراد غریبه استفاده می‌شوند مانند چت کردن در فضاهای چت عمومی می‌توانند با برقراری ارتباط در دنیای واقعی همبستگی منفی داشته باشند. (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۲۹۱).

امروزه نوجوانان با حجم زیاد اطلاعات توسط رسانه‌ها می‌توانند آگاهی خود نسبت به اجتماع و جهان را افزایش دهند. کسب آگاهی‌های فرهنگی و سیاسی توسط نوجوانان برای

داشتن نسلی از شهروندان مسئولیت پذیر در آینده حیاتی است. نوجوانان به وسیله ارتباط با اخبار، مجلات و شبکه‌های اجتماعی متوجه می‌شوند که جهان چیزی بیشتر از آن است که در اطراف خود می‌بینند.

۲- کمک به رشد مهارت‌های اجتماعی

بسیاری از نوجوانان از نظر اجتماعی مهارت کافی ندارند. رسانه می‌تواند شانس رشد مهارت‌های اجتماعی، گسترش دایره روابط اجتماعی و رشد دوستی‌های جدید را به آن‌ها بدهد. رسانه‌ها اعتماد و حمایت اجتماعی نوجوان را رشد می‌دهند و آن‌ها را به حرکت موفق در مسیر جامعه مدرن راهنمایی می‌کنند.

۳- الهام بخشی

ممکن است تماشای فیلم‌های رزمی والدین را از جنبه خشن‌آن نگران کند، اما چنین برنامه‌هایی با راهنمایی‌های درست می‌تواند انگیزه ای برای قدم گذاشتن در مسیر ورزش‌های رزمی یا فعالیت‌های پلیسی باشد. تأثیرگذاری صحبت‌ها و رفتارهای افراد مشهور یا مشاهیر مورد علاقه نوجوان از طریق رسانه است و صحبت‌هایی مانند مصرف نکردن مواد مخدر یا ترک سیگار توسط آن‌ها می‌تواند از سمت نوجوانان به راحتی پذیرفته شود. (احدیان، ۱۳۷۱: ۱۹۱۱)

۴- کمک به مهارت‌ها

حرکتی بر خی از بازی‌های ویدیویی ممکن است موجب تحلیل توانایی‌های حرکتی در نوجوانان شود، اما بازی‌هایی هستند که باعث تقویت مهارت‌های حرکتی، هماهنگی عصب و عضله و بعضی از توانایی‌های ذهنی کودکان می‌شوند وقتی یک سخنران یا الگوی نوجوان خواندن کتابی را پیشنهاد می‌دهد احتمال تمایل به خواندن آن کتاب توسط نوجوان بیشتر می‌شود. همچنین و بلاگ‌ها، سایت‌ها و شبکه‌های ارتباطی و مجازی، می‌توانند در

افزایش دایره لغات و مهارت‌های نوشتاری نوجوان تأثیر مثبت بگذارد (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۹۲۲).

ب- اثرات منفی رسانه در تربیت فرزندان

۱- تخریب تصویر بدنی و عادی سازی خشونت

امروزه جهان و رسانه‌ها پر از چهره‌های شفاف و اندام‌های زیباست. درحالی‌که بسیاری از این تصاویر با استفاده از نرم افزارهای فتوشاپ و جراحی‌های زیبایی صورت گرفته است. بنابراین رسیدن به استاندارد زیبایی که در رسانه‌ها نمایش داده می‌شود به طور تقریبی غیرممکن است. این عوامل باعث تخریب قضاوت نوجوان از ویژگی‌های ظاهری خود می‌شود. بی‌اشتهایی عصبی و پراشتهایی عصبی از این بحران به وجود می‌آید. امروزه میزان خشونت در بازی‌های ویدیویی و فیلم‌ها بسیار زیاد شده است و نوجوانان وقت زیادی را با آن‌ها می‌گذرانند. خشونت به مرور زمان واقعی می‌شود و بسیاری از نوجوانان توانایی تمایز بین فانتزی و واقعیت را ندارند. درنتیجه رفتارهای خشونت آمیز برای آن‌ها معمولی می‌شود که عواقب خاص خود را دارد.

۲- رفتار جنسی پرخطر و تجاری سازی همه چیز

نوجوانان به شدت در جستجوی کشف هویت جنسی خود هستند. گرایش نوجوانان به هر چیزی که محتوای جنسی دارد امری طبیعی است. نمایش تعدد روابط جنسی در رسانه‌ها باعث گیج شدن نوجوانان می‌شود. رابطه جنسی بدون مسئولیت پیامد این خطر فکری است که در نوجوانان به وجود آمده است که نتایج آن رفتار جنسی پرخطر و بارداری‌های ناخواسته است. این که پول شادی می‌آورد تفکری است که توسط رسانه‌ها در نوجوان ایجاد می‌شود. رسانه تلاش می‌کند تا افزایش درآمد برای نوجوان را هدف قرار دهد اما نوجوان به دنبال خوشحالی با به دست آوردن پول است (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۹۲۱)

۳- چاقی و اختلالات سلامتی

ارتباط مشاهده طولانی مدت تلویزیون با افزایش کلسترول خون، افزایش فشار خون، افزایش بروز آسم، اختلال خواب، اختلال خلق، مشکلات روانی و افسردگی در مطالعات مختلف دیده شده است. یکی از علل چاقی مفرط نوجوانان گذراندن بیش از حد وقت خود با بازی‌های کامپیوتری است. این درحالی است که بازی در فضاهای باز به ندرت یافت می‌شود. همچنین همراهی این عادات با رژیم غذایی نامناسب باعث بروز یک چاقی شایع در این دوران می‌شود. به جز تأثیر رسانه‌ها در انتخاب نوع غذاهای تبلیغی خوردن غذا هنگام تماشای رسانه می‌تواند احتمال مصرف غذا را افزایش دهد. یکی از فرضیه‌ها این است که احساس سیری هنگام دیدن تلویزیون مهار می‌شود. به همان ترتیب دیدن تلویزیون فعالیت‌های بدنی را مهار می‌کند. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در تمام جهان استفاده از رسانه‌ها با چاقی و اضافه وزن همراه است، اما مکانیسم تأثیر آن نامشخص است. در یک مطالعه مشخص شد دانشجویانی که تلویزیون می‌دیدند بیش از کسانی که به یک قطعه موسیقی کلاسیک گوش می‌دادند غذا مصرف کرده‌اند. از سوی دیگر مشاهده طولانی مدت تلویزیون بر خواب کودکان اثر منفی می‌گذارد و کودکانی که خواب کافی ندارند بیشتر احتمال دارد که تلویزیون تماشا کنند و کمتر در فعالیت‌های فیزیکی شرکت می‌کنند. رسانه‌ها همچنین در شکل‌گیری تصویر ذهنی افراد از خودشان نقش مهمی دارند و ممکن است در شکل‌گیری توقعات نامعقول و غیرواقعی در مورد سایز بدن و عدم رضایت کودکان و نوجوانان از بدنشان شود. دختران نوجوانی که به صورت مرتب مجلات زیبایی و مد را مطالعه می‌کنند بیشتر احتمال دارد که از تصویر بدشکلی بدنشان در طی سال‌های نوجوانی رنج ببرند.

۴- افت تحصیلی و مشکلات تکاملی

گرفتن نمرات پایین و افت تحصیلی یکی دیگر از اثرات منفی وقت گذرانی زیاد پای تلویزیون است. کودکان و نوجوانانی که نمره‌های بالاتری در مدرسه می‌گیرند وقت کمتری

را صرف رسانه‌ها کرده‌اند. دیدن تلویزیون بیش از ۹ ساعت در روز در سال‌های اولیه کودکی با اختلال نقص توجه در سال‌های اولیه دبستان مربوط است. مکانیسم این پدیده مشخص نیست و نیاز به مطالعه بیشتر دارد. شاید کودکان با نقص توجه تمایل بیشتری به دیدن تلویزیون دارند و یا دیدن طولانی مدت تلویزیون موجب نقص توجه می‌شود. چند مورد مطالعه انجام شده است که امکان تأخیر در شروع به حرف زدن را در شیرخوارانی که به مدت طولانی تلویزیون و ویدئو تماشا کرده‌اند، نشان می‌دهد و بر عکس هیچ پژوهشی تا کنون نشان نداده است که قرار گرفتن شیرخواران در برابر رسانه‌ها باعث تسریع رشد و تکامل آن‌ها می‌شود. (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۹۲۱)

وجود ارتباط بین تماشای تلویزیون و نقص توجه و دیگر نقایص یادگیری از موضوعاتی است که امروزه بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. مطالعات نشان می‌دهند که بین ساعات تماشای تلویزیون در سنین ۱ تا ۹ سالگی و نقایص توجه در ۱ سالگی به بعد ارتباط است، اما یک مطالعه جدیدتر که ۵۲ کودک با نقص توجه و ۱۱۱ کودک در گروه مقایسه را بررسی می‌کرد، نشان داد که این کودکان بعد از تماشای طولانی مدت تلویزیون دچار اختلالات شناختی بیشتری نسبت به گروه مقایسه می‌شوند. حداقل چند مطالعه ارتباط بین تماشای طولانی مدت تلویزیون و اختلال در عملکرد تحصیلی را نشان داده‌اند به ویژه وقتی که دستگاه تلویزیون در اتاق خواب کودک قرار گرفته است. (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۹۲۵)

۳- راه کارهای برای کنترل کردن اثرات رسانه بر تربیت فرزندان

۱- آموزش

قرار گرفتن در مقابل رسانه‌ها بخشی از زندگی مدرن است، اما می‌توان به فرزندان آموزش داد تا تنها برای چیزهایی که ارزش دیدن دارد، وقت بگذارند در بیشتر نقاط دنیا ۱۰۵ مدارس برای رسانه‌ها جایگاهی در پیش‌گیری از خشونت و سوء استفاده از داروها مشخص نمی‌کنند. با گسترش روزافزون رسانه‌ها، خانواده‌ها، مدارس و حتی خود رسانه‌ها باید

آموزشهایی در مورد روش های استفاده صحیح از رسانه ها، انتخاب برنامه های صحیح و متناسب با سن، برنامه ریزی و راه های مقابله با پیام هایی که از طریق رسانه های غربی منتشر می شوند را برای کودکان، نوجوانان و جوانان در نظر بگیرند. همچنین باید راه های مقاومت در برابر اعتیاد به رسانه، پیشنهاد های همسالان و دیگر افراد برای مصرف سیگار، مواد و الکل را طی برنامه های خاصی به کودکان آموزش داد. بدیهی است این برنامه های آموزشی باید به صورت جامع و بر مبنای فرهنگ هر جامعه در آموزش و پرورش کشورها تدوین، بازبینی و ارزیابی شوند (کوایل: ۹۱۱۵).

۲- نظارت

والدین باید نقش حاکم بودن و حاکمیت مطلق را کنار بگذارند و نقش رسانه ها را در زمینه تربیت کودکان و نوجوانان بپذیرند و نقش نظارتی خود را تقویت کنند. آن ها باید به بچه ها مهارت چگونه استفاده کردن از رسانه و تعامل با رسانه ها را یاد دهند نوجوان دوست دارد هر چیزی را که می خواهد، تماشا کند، پس باید بر چیزهایی که می بیند نظارت شود و برای بعضی از آن ها محدودیت هایی تعیین شود. بهتر است در باره قوانین استفاده از آن ها با فرزندان مذاکره شود. یکی از بهترین راه های دور کردن نوجوان از اثرات منفی رسانه ها صحبت درباره چیزهایی است که او به دنبال آن هاست. برای مثال اگر فرزندی به جنس مخالف علاقه دارد باید با او درباره روابط دوستی با جنس مخالف، انتخاب ها در زندگی و اعتماد به نفس صحبت کرد. اگر نوجوان اطلاعات کافی درباره چالش های ذهنی خود داشته باشد به دنبال جمع آوری اطلاعات از رسانه ها نخواهد بود. والدین باید استفاده از بعضی برنامه ها، فیلم ها یا بازی ها را ممنوع کنند و درباره علت این کار به نوجوان توضیح دهند (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۹۲۷)

۳- همدلی

همدلی از مواردی است که در تربیت به آن نیاز است. والدین و رسانه باید با نوجوان همدلی کنند و تا زمانی که این همدلی اتفاق نیفتد، تربیت شکل نمی گیرد. نوجوانان امروز

به حرف‌های پدر و مادر به دقت گوش می‌دهند و حتی آن‌ها را تأیید می‌کنند، ولی درواقع به آنچه می‌شنوند، عمل نمی‌کنند و تأثیر رسانه‌ها در این مورد بیشتر است. توجه به این مسئله بسیار مهم است؛ زیرا نوجوانان فکر می‌کنند بین خودشان و اطرافیان شان که برای تربیت آن‌ها سعی می‌کنند، فاصله وجود دارد یا افق‌هایی را می‌بینند که دیگران نمی‌بینند. ذوب افق‌ها یکی از اصطلاحات مهم در حوزه ارتباطات است؛ یعنی باید افق‌ها از بین بروند و بزرگترها باید خودشان را جای نوجوان بگذارند و بعد تصمیم بگیرند. شیوه صحیح آن است که با زبان خودشان با نوجوان‌ها صحبت شود و خود را در شرایط و موقعیت آن‌ها قرار داد، اما متأسفانه حتی در رسانه‌ها دیده می‌شود افرادی که سن بالایی دارند درمورد شرایط زندگی نوجوان‌های ۱۱-۱۵ ساله صحبت می‌کنند و واقعی بحث نمی‌کنند. نوجوان می‌خواهد از زبان کسی درمورد شرایط و احساساتش بشنود که مانند او و در شرایط سنی خودش است و موقعیت او را درک می‌کند، ولی وقتی کسی را می‌بیند که فاصله سنی زیادی با او دارد و درمورد نیازها و علایق نوجوان حرف نمی‌زند، نمی‌تواند ارتباط مناسبی با آن‌ها برقرار کند. رسانه‌ها باید سعی کنند نوجوان‌ها را درک کنند و با شناسایی مشکل‌های واقعی‌شان راه‌حل‌های عملی و منطقی به آن‌ها دهند (احسانی، ۱۳۹۶: ۱۹۲۴) باید به نوجوان اجازه داد تا دیدن بعضی برنامه‌ها را خودش انتخاب کند و از او سؤالاتی را پرسید. برای مثال در باره یک فیلم یا بازی از او پرسید که نظرت درباره آن چیست؟ از آن چه می‌خواهی؟ احساسات درباره آن چیست؟ آیا می‌توان اثر رسانه‌ها را به طور کامل حذف کرد؟ امروزه رسانه‌ها بسیار قدرتمند و در دسترس هستند، اما نباید فراموش کرد که آن‌ها هم مثل دیگر ابزارها فقط یک ابزار است که به خودی خود آسیب‌زا نیست و نحوه استفاده از آن‌هاست که تعیین می‌کند چه اثری بر زندگی انسان داشته باشند. بنابراین، به جای آنکه صورت مسئله پاک شود، بهتر است به دنبال راه حل اساسی برای این موضوع بود. مشاوران خانواده بر نحوه رفتار صحیح با نوجوان و اتخاذ یک سبک فرزندپروری مؤثر تأکید دارند. متخصصین بهداشت تأکید می‌کنند که والدین باید مدت تماشای تلویزیون توسط کودکان‌شان را به دقت زیر نظر

بگیرند و از قرارگرفتن کودکان در برابر صحنه‌های خشونت آمیز و یا صحنه‌هایی که برای افراد زیر ۱۲ سال نامناسب است، خودداری کنند. والدین همچنین به عادت‌های خودشان در مورد دیدن رسانه‌ها توجه کنند؛ زیرا پژوهش‌ها نشان داده است که عادات والدین در مورد تماشای تلویزیون متغیری تعیین کننده برای عادات فرزندشان در استفاده از رسانه است (احدیان، ۱۳۷۱: ۱۹۱)

۴- تدوین قوانین

تدوین قوانین در مورد الزام رسانه‌ها به پخش برنامه‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف، حمایت از پژوهشگران برای بررسی آثار رسانه‌ها بر سلامت کودکان و نوجوانان و انجام مطالعات پیمایشی در مورد میزان مواجهه کودکان و نوجوانان با رسانه‌های مختلف از راه کارهایی است که می‌تواند به تعیین تأثیر رسانه‌ها بر این گروه‌های سنی کمک کند. در طی ۵۱ سال گذشته مطالعات نشان داده‌اند که رسانه می‌تواند نقش یک معلم قوی را برای کودکان و نوجوانان اجرا کند. تاکنون اقدامات اندکی توسط والدین، مراقبین بهداشتی و نیز مدارس برای تخفیف و تعدیل آثار منفی رسانه‌ها و افزایش آثار مثبت آن‌ها بر فرزندان انجام شده است (کویل: ۹۱۱۵).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شده است تا با نشان دادن اهمیت و جایگاه والدین و رسانه‌ها به نقش آن‌ها به‌ویژه در امر تربیت توجه شود. همچنین تعریف رسانه‌ها، تعلیم، تربیت، رسانه‌های نوین و دیدگاه‌های مختلف درباره آن‌ها و جوانب و آثار مثبت و منفی آن‌ها بررسی شده است. در پژوهش حاضر بیان شد که ارتباط یکی از عناصر اساسی زندگی گروهی انسان و سنگ بنای جامعه و هسته اصلی ساختمان اجتماعی است. رسانه‌ها به‌ویژه رادیو و تلویزیون در هر جامعه‌ای مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار تربیت هستند که به دلیل وسعت فعالیت آن‌ها در طول شبانه روز بیشترین اوقات کودکان و جوانان را به خود اختصاص می‌دهند. این عوامل اگر در اختیار افراد متعهد و مؤمن باشند، می‌توانند جامعه را به سوی

تربیت درست و اصلاح سوق دهند و در غیر این صورت عامل انحراف و تباهی جامعه می‌شوند. در پایان راه‌کارها و پیشنهاداتی برای خروج از آسیب‌های پیش روی کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود:

الف: ضروری است که در برنامه‌ریزی‌های آینده به رسانه‌های آموزشی بیشتر توجه شود تا بتوان از آن برای پیشرفت جامعه سود برد.

ب: نقش والدین باید در استفاده از رسانه‌ها و تلویزیون برای ایجاد ارتباط صمیمی با آن‌ها و یاد دادن مهارت‌های ضروری با نوجوانان همراهی کنند.

ج: محدود کردن ساعت‌های تماشای برنامه‌های تلویزیون کودکان می‌تواند مؤثر واقع شود.

د: والدین باید آگاهی نوجوانان از برنامه‌های رنگارنگ رسانه‌ها را افزایش دهند و خطرهای احتمال استفاده از آن‌ها به فرزندان شان به‌خوبی بیان کنند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۸۸.
۲. احسانی، حمید، نقش و تأثیر رسانه در تربیت اجتماعی و ذهنی کودکان و نوجوانان و خانواده، تهران، انتشارات بشری ۱۳۹۶.
۳. احدیان، محمد، اصول و مقدمات تکنولوژی آموزشی، تهران، انتشارات بشری، ۱۳۷۶.
۴. اسماعیلی، محسن، حقوق کودک در برابر رسانه‌ها، نشریه خانواده پژوهی، تهران، ۱۳۸۹.
۵. اکبرزاده و علی شکوهی یکتا، تلویزیون و ادراک کودکان، نشریه تعلیم تربیت، ۵۶ و ۳۳، تهران، ۱۳۸۱.
۶. بابایی، محمد، رسانه نوین و سیر تحول تاریخی رسانه‌ها، نشریه مدیریت ارتباطات، ۱۷ و ۵۶ و ۶۱، تهران، ۱۳۹۱.
۷. بیانگرد، اسماعیل، اثرات تلویزیون بر رشد کودکان، پژوهش‌های ارتباطی، تهران، ۱۳۷۷.
۸. اسماعیلی، اسماعیل، اثرات رسانه‌ها بر هویت نوجوانان، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۹.
۹. خیری حسن، دین رسانه ارتباطات اجتماعی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ ۱۳۸۹.
۱۰. عظیمی، محمدحسین، کودک و رسانه و ارتباطی متقابل، نشریه علوم و فنون مدیریت اطلاعات،

تهران، ۱۳۹۵ .

۱۱. طاهریان، مریم، تأثیر مخاطره انگیز رسانه‌های اجتماعی بر کودکان و نوجوانان، نشریه روزنامه نگاری، تهران، ۱۳۹۶.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: دارالحديث، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق

۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۱، بیروت، مؤسسه الاعلمی المطبوعات ۱۴۲۹ق.

۱۴. مک کوئل، دنیس، درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی، مترجم جلالی، پرویز، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.